ترجیح معنای «خلوص» در مادهٔ «سلم»

بنابراین اگر به این صورت معنا کنیم، حتی از معنایی که مرحوم آقای مصطفوی می‌فرمایند، تجرید بیشتری می‌شود. چطور؟؛ ابن‌فارس گفت: «سلم» یعنی صحیح و سالمت باشد، راغب گفت: یعنی از مریضی دور باشد، ایشان گفتند: از خصومت دور باشد. در اینجا «سلم» یعنی از هر چیزی که آن یک دستی و خلوص را از بین می‌برد، دور باشد. خصومت هم یکی از آن‌ها است. خصومت و درگیری و دشمنی یک صغرایی از خلوص است. نسبت به رنگ خالخالی یک گاو، نمی‌توانند بگویند دشمنی دارد، اما خالصه یک دست نیست. یک دستاندازی و اصطکاکی نسبت به اصل دارد.

شاگرد: دلیل اینکه می‌فرمایید: «لا شیة» قید توضیحی «مسلّمة» است، چیست؟

استاد: به‌خاطر اینکه اگر منظور از «مسلّمة»، معنای اول بیضاوی باشد که گفت یعنی از عیوب-بری باشد و صحیح و سالم باشد و شَل نباشد، با سیاق نمی‌سازد. چون یک دفعه نمی‌توانند بگویند بی عیب است، شیة در آن نیست. بی عیب است، خال در آن نیست. «شیة» به‌معنای خال‌هایی است که در آن هست. لذا معنا ندارد یک دفعه از بی‌عیب‌بودن بگوییم، خال ندارد. من‌اسب با رنگ است که بگوییم: رنگ یک دستی است که لاشیة فی‌ها. یعنی عیوب، تناسب ارداف با «شیة» ندارد. اما اگر خودتان بخواهید، بنویسید، فطرتا می‌نویسید: «عیب نداشته باشد، لنگ نباشد، خالخالی نباشد!».

شاگرد: حداقل اگر این معنا مراد باشد، باید یک «واو» بین آن‌ها باشد.

استاد: بله؛ یعنی بر اساس این معنا، «لاشیة» دقیقاً با کلمه‌ی «مسلّمة» جور در می‌آید. همین‌طور هم بوده است. رنگ زردی داشته است که هیچ چیزی در آن دخیل نبوده است. یک رنگ داشته است. الآن هم که حدیث می‌خوانیم، امام علیه‌السلام بهترین استفاده را از این کلمه می‌کنند. برای سلام و تسلیم، از همین لاشیة استفاده می‌کنند. خود استشهاد امام علیه‌السلام، بهترین شاهد است بر اینکه «مسلّمة» به‌معنای سالم‌بودن از عیوب نیست. البته مکرر عرض شد که ما از باب اظهر و ظاهر و اولی صحبت می‌کنیم و الا اینکه بگوییم معنایی که بیضاوی گفته، صفر است، درست نیست. کسانی که مباحثه‌ی ما بوده‌اند، می‌دانند که من هرگز این را عرض نمی‌کنم. یعنی احتمال اینکه «مسلّمة» به‌معنای سالم بودن از عیوب باشد، نیست. احتمالی است که مشکلی با آن ندارم. از باب استعمال لفظ در اکثر از یک معنا، استعمال جامع و ... . قرآن است.

آن استاد در درس اسفارشان شاید هر هفته می‌گفتند. می‌گفتند: آقا جان قرآن است. قرآن یعنی چه؟؛ یعنی مادبة اللّه. همین که وارد سفره‌ی الهی می‌شوید، سر از بینهایت در می‌آورد. هر جایی از آن دست بگذارید، می‌بینید بینهایت وجه و کار هست. سر و کار شما با خدا و کلام خدا می‌شود. کلامی که از خداوند صادر می‌شود، کلام خدا است. هر چه در خداوند متعال، علم و کمال سراغ دارید، در ریز به ریز کلام او هم می‌تواند جلوه‌گر شود. لذا من ابائی ندارم که این احتمال را بگوییم، ولی صحبت سر اظهر و ظاهر و سیاق است.

بازبینی #3
ایجاد شده 22 ژوئن 2024 14:02:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئن 2024 14:39:55 توسط ... .